

ادیب فاضل و سخن سنج کامل مروج زبان شیرین و شعر پارسی
در هندوستان و مؤلف کتاب (در فارسی)



﴿﴾ دکتر محمد نظام الدین مقیم حیدرآباد دکن ﴿﴾

دکتر محمد نظام الدین فرزند مرحوم محمد غیاث الدین در ۱۸۹۵ میلادی در حیدرآباد دکن از بلاد هندوستان متولد گردیده است. فامیل معظم له از محترمین آن شهر بوده و تحصیلات ابتدائی را قبلاً در حیدرآباد و سپس در لاهور نموده و با تصدیق نامه (های اسکول) در ۱۹۱۴ داخل نظام کالج گردید. از ابتدا شوق مفرط بتحصیل السنه و علوم مشرقی داشته و امتحان (مولوی) داده درجات علمی امتحانات (انتر میدیت و BA) اینورستیه مدارس را از عهده برآمده و باخذ تصدیق نامه (مولوی عالم) و (مولوی فاضل) نیز نائل گردید. در ۱۹۲۱ از طرف امارت حیدرآباد برای تحصیل و تحقیق السنه شرقی

به انگلستان رهسپار شده و داخل اینورسیتة کمبریج گشت و بدرک تلمذ مستشرقین شهر
 پروفور برون وینگلس نائل گشته و تا سال ۱۹۲۵ میلادی مشغول بود و از اینورسیتة
 مزبور دیپلم (دکتر فلسفه Dr. of philosophy) گرفته و اولین محصل حیدرآباد است
 که دارای چنین دیپلم گردیده. چون تحقیقات علمی او در نظر ارباب فضل شایسته آمد
 بامساعی پروفور برون که عضو (خبریه یادگاری گیپ) بود طبع آثارش جزء انتشارات
 خبریه مذکور قبول گشت و این موقعیت نصیب کمتر محصلی از هندوستان گشته است
 نتیجه تحقیقات علمی معظم له در مدت پنجساله اقامت اروپا «دیباچه بر جوامع الحکایات
 محمد عوفی» بزبان انگلیسی است که کتاب مزبور در ۶۹۵ هجری برای التمش در دهلی
 نگاشته شده است. در نظر فضلاء و مستشرقین شهیر اروپا مثل میرزا محمد خان
 قزوینی و دیگران و پروفور برون و دکتر نیلسن و مارک دلینت و پروفور
 جکسن اینورسیتة (کلمبیا) و فضلی دیگر دیباچه مذکور «خدمت واقعی است» ادبیات فارسی
 این کتاب با چاپ و کاغذ خوب درلیدن طبع شده و قیمتش ۴۲ شلینگ است:

هنگام مراجعت به هندوستان معظم له موقعی با فاضله و بعضی از کتابخانهای اروپا را
 دیده و ارتباط علمی با علمای آلمان و قسطنطنیه و قاهره پیدا کرد و در حیدرآباد
 امارت دکن ایشانرا سمت پروفوروزی فارسی داد کالج اینورسیتة عثمانیه با حقوق ۵۰۰
 تا ۱۰۰۰ روپیه مستخدم نمود و فعلاً عضو هیئت فنی و فاکولته و رئیس شعبه زبان فارسی
 کالج اینورسیتة است و اخیراً بعضویت کمیته نظارت السنه شرقیه اینورسیتة مزبور انتخاب
 شده است. در این چندسال حسن تحقیق علمی را در محصلین اینورسیتة تولید کرده
 و کتب درسی فارسی را مرتب نموده و اخیراً کتابی بنام (در فارسی) برای محصلین فارسی
 تألیف نموده است بعلاوه چندی است مشغول تألیف یک تاریخ ادبیات فارسی است که
 مشتمل بر تحقیقات در ادبیات و تحصیل زبان فارسی خواهد بود.

در فارسی

این کتاب مجموعه‌ایست از نظم و نثر عصر قدیم و جدید که بطرز کتب کلاسی اروپا برای تدریس فارسی در مدارس ترتیب داده شده و معارف دکن آنرا جزو پروگرام قرار داده است. شامل سه جزء که مجموعاً دارای ۳۵۵ صفحه است که نظم و نثر آن قرن و آرتب گشته و آخر هر جزء انتخابی از نظم و نثر عصر جدید هم دارد. منتخبات نظم هر سه جزء دارای یک هزار و ششصد شعر که از شاهنامه فردوسی (قرن پنجم) شروع کرده تا غالب دهلوی «قرن سیزدهم» و انتخابی از اشعار عصر جدید ایران منتخبات نثری متجاوز از ۲۰۰ صفحه است که از فارسی نامه ابن البلخی «قرن ششم» گرفته تا ترجمه تاریخ حکماء مقصود علی تبریزی «قرن یازدهم» و یک قسمت از نثر نویسندگان عصر جدید. در آغاز هر انتخاب از نظم و نثر شرح حال شاعر یا نویسنده را برای شناساندن به محصلین درج نموده است بدیهی است از یک قرن باینطرف فارسی در هند مقام اول خود را از دست داده و مخصوصاً هند از انقلاب ادبی عصر جدید ایران بی‌خبر است. هنوز در اینورسیت‌های هند فارسی مرده تدریس میشود و بارها دیده شده که یک ادیب فارسی هند از تکلم و فهماندن مقصود خود بزبان فارسی امروز بایک ایرانی عاجز است. اهمیت انتخاب دکتر محمد نظام الدین در «در فارسی» همانا منتخبات نظم و نثر فارسی امروز است که محصلینرا آشنا بادیات فارسی امروزی هم می‌نماید. منتخبات معظمه از هر حیث شایان تمجید است غرض نظریه این دانشمند از تألیف این کتاب از مسطور ذیل که در آغاز کتاب درج است بخوبی مفهوم می‌شود

«چندانکه کتب فارسی را که در دارالفنون‌های هند و اروپا برای افاده محصلین در درس گذاشته‌اند بنظر آوردم همه آنها را از یک ترتیب اساسی و نظام مخصوص خالی یافتم تاکنون یک سلسله منتخبات دارای اطلاعات عمومی جغرافی و تاریخی و سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی و فنی و رسمی، و چیده از شهکارهای نظم و نثر عصر قدیم

وجدید حسب مرور ادوار کہ مبنی بر مضامین متنوعه و اصناف سخن و مخبر احوال شعراء و ادباء ممتاز قرنهای متعددی باشد و از آن طلاب بتدریج و باسانی در دوره تعلیم دولتی امروزه یک ذوق صحیح بادیات ایران پیدا کنند نیافتیم، شوق مفرد بنده بر رفع این احتیاج محرک آمد و در صدد این هستم کہ یک سلسله تألیفات کتبی درسی از جماعت میترک تابی آئی نشر یابد:

اینک «درر فارسی» را سر آغاز آن عقد گذاردم و متمنیم کہ سعی ضعیف من و ورققایم مثل دوست فاضل مہربان آقای عبدالحمید خان در ادامه و نشر زبان و ادبیات فارسی صحیح فصیح بلیغ از مرکز علمی دولت حیدرآباد کن یعنی جامعہ عثمانیہ مطبوع خواهد کردید: «

سید نصر اللہ سرور

«قدرت قہمی»

بقلم سید مہدی رضوی وکیل رسمی عدلیہ

﴿ایضاً﴾

سرشک مستی از چشم یار لرزد و ریزد
 زمو برو عرق از تاب می فشاند کوئی
 ز جور آنمہ بی مہر خون ز چشمه چشمم
 بدست باد سر زلف دادہ جان جهانم
 بجان یار کہ در دل امید نیست جز اینم
 یار سبز خطی می بدہ عیان کہ غم از دل
 مدہ شراب بہ مستان بہ چار چار زمستان
 بیاد لعل تو ہر جام بادہ کہ خورم من
 شکوہ زلف سیاہت بیاغ دیدہ کہ رویش

بای پیالہ زدست خمار لرزد و ریزد
 مطر ز کابری بگل در بہار لرزد و ریزد
 بچاک میکہد بی اختیار لرزد و ریزد
 کہ تازہ زار دل بی قرار لرزد و ریزد
 کہ خون من ز دم تیغ یار لرزد و ریزد
 چو بر کز زردی از ہر کنار لرزد و ریزد
 کہ ز ابر باران در این دو چار لرزد و ریزد
 چکان ز دیدہ ہمی بر عذار لرزد و ریزد
 سفید کشتہ و از شاخسار لرزد و ریزد